

## کارکردهای توحیدباوری در حیطه رفتاری از دیدگاه آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه

طاهره ماهروزاده\*

فاطمه سلطان محمدی\*\*

### چکیده

باور شناخت تثبیت شده‌ای است که می‌تواند بیش از شناخت سطحی، عواطف و رفتارهای فرد را تحت تأثیر قرار دهد؛ در میان اصول اعتقادات، «باور توحیدی» اصلی اساسی و کلیدی می‌باشد که پایه پذیرش باورهای دیگر است. باور به توحید به عنوان اساس تفکر و اعتقاد مسلمانان و صفت ممیزه اسلام از سایر مکاتب بوده است. توحیدباوری نقطه اوج معرفت به خداست؛ یعنی انسان به مقامی رسد که عیناً مشاهده کند که کل هستی و تمام شئون آن نیازمند الله است؛ این نوشتار به روش نقلی و به صورت توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که کارکردهای توحیدباوری در زندگی انسان از دیدگاه آیت‌الله ناصری چیست؟ یافته‌ها بیانگر آن است که توحیدباوری تنها یک عقیده خنثی نیست که تأثیری در حوزه رفتار انسان نداشته باشد، توحیدباوری، با تأثیرگذاری بر نظام ارزشی انسان، در دو بعد فردی و اجتماعی زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب می‌شود رفتار انسان در تمام مناسبات زندگی، رنگ و بوی خدایی داشته باشد و انسان به مقام عبودیت یعنی هدف نهایی خلقت برسد.

کلیدواژه‌ها: توحیدباوری، شاخصه‌های توحید باوری، کارکرد توحیدباوری در حیطه رفتاری فردی، کارکرد توحیدباوری در حیطه رفتاری اجتماعی.

\* استادیار و هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه، پژوهشگر گروه تفسیر جامعه الزهرا (نویسنده مسئول):

mahrozadeh@gmail.com

\*\* دانش‌آموخته سطح چهار جامعه الزهرا رحمته‌الله علیه، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهرا و المصطفی العالمیه: God44550@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۲



## مقدمه

هر مکتبی برای انسان هدف‌گذاری خاصی دارد؛ مکاتب مادی انسان را به لذت‌های مادی دعوت می‌کنند. دسته‌ای از مکاتب الهی انسان را به نعمت‌های پاداش اخروی می‌خوانند و دسته‌ای نیز به دنبال حال خوش معنوی و نور و آرامش حاصل از عبادت هستند، اما بالاترین افق و هدف را قرآن کریم دعوت می‌کند و آن ادعوا الی الله (اتصال به خداوند متعال) است.

در دین مبین اسلام برای اتصال به خدای متعال، اصل اساسی و کلیدی «توحید» است. توحید به عنوان یک حقیقت کاربردی در زندگی، پایه پذیرش باورهای دیگر می‌شود. این باورها گام به گام به پیش می‌رود تا به نقطه اوج آن می‌رسد که اتصال به خداوند و بندگی خالصانه الهی است. باورتوحیدی سبک زندگی انسان را متحوّل می‌کند؛ به گونه‌ای که تمام زندگی او رنگ و بوی خدایی می‌گیرد و عبودیت و خدامحوری اساس زندگی او را شکل می‌دهد: «صبغه الله و من أحسن من الله صبغه» (بقره: ۱۳۸)؛ باورهای توحیدی در تربیت می‌توانند سبب شکوفایی و سعادت درونی فرد شوند و او را به سوی رفتارهای اخلاقی و مسئولیت‌پذیر ترغیب کنند؛ همچنین این باورها می‌توانند در تقویت ارتباطات اجتماعی و روابط بین فردی مؤثر باشند و موجب تمایز رفتاری به افراد غیرباورمند شوند (ناصری، ۱۳۹۱: ۴۲-۴۵).

پوچ‌گرایی و اضطراب، نسبی‌گرایی، بی‌بنیانی اخلاق، شکل‌گیری فرقه‌ها و نحله‌های انحرافی، کشتار و جنایت و خونریزی، مرگ انسانیت و احساس در جهان معاصر؛ همگی نتیجه تن ندادن نوع بشر به تربیت ربوبی و عدم تبیین مناسب مسئله توحید است؛ در عصر حاضر که به دلیل پیشرفت‌های مختلف علمی و فکری در عرصه‌های گوناگون وجود خداوند بیش از هر زمان دیگر مشهود است و مکاتب مختلف مادی به ناچار در برابر ادیان دینی به ویژه دین اسلام سر تعظیم فرود آورده‌اند و در تلاش برای برگرداندن خود در ساحل آرامش دین هستند. طراحی و تدوین شاخصه‌ها و کارکردهای نظام تربیتی توحیدی و ارائه الگوی مستدل و روشن در مورد نحوه استقرار نگرش توحیدی در فرد و جامعه، پیراسته از انواع انحرافات و متناسب با اقتضائات زمان جهت پاسخگویی به نیاز جهانی بیش از هر زمان دیگر ضروری است و این می‌تواند راهگشای بسیاری از مسائل و معضلات تربیتی خاص در جهان معاصر باشد. این پژوهش بر آن است که با استفاده از آثار استاد آیت‌الله ناصری به تبیین کامل کارکردهای توحیدباوری در زندگی موحدان در حیطه رفتاری در دو بعد فردی و اجتماعی بپردازد تا نمود روشن‌تری را از حضور کارکردهای دین در شئون گوناگون حیات بشری آشکار سازد.



## پیشینه بحث

موضوع توحید به عنوان یکی از اصول دین در گذشته به صورت مستقل بسیار بحث و بررسی شده و کتاب‌ها و مقالات بی شماری درباره آن نگاشته شده است. در مورد توحیدباوری و نقش آن در زندگی نیز آثار بسیاری وجود دارد که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

کتاب‌های نقش ایمان در زندگی انسان اثر یوسف قرضاوی (۱۳۷۳)؛ سلامت روانی در پرتو التزام به آموزه‌های دینی به نگارش فاطمه فرهادیان (۱۳۸۴)؛ ایمان و چالش‌های معاصر اثر محمدتقی فعالی (۱۳۸۹)؛ ایمان و آثار سازنده آن از آیت‌الله جعفر سبحانی (۱۳۹۱)؛ انسان و ایمان اثر استاد مرتضی مطهری (۱۳۹۶) از جمله کتاب‌هایی است که در این موضوع مطالبی را بیان داشته‌اند.

مقالات «مؤلفه‌های خدامحوری و آثار آن در زندگی از دیدگاه قرآن و روایات» از منصور پهلوان و همکاران (۱۳۹۳) در مجله اسلام و مطالعات اجتماعی (ش ۶)؛ «آثار توحیدباوری در قیام امام حسین علیه السلام» نوشته محمد رنجبر حسینی (۱۳۹۷) در پژوهشنامه معارف حسینی (ش ۱۱)؛ «نقش معادباوری در سلامت معنوی انسان از منظر قرآن کریم» از محمود ابراهیمی و رکیانی (۱۴۰۰) در مجله تفسیرپژوهی (ش ۱۶)؛ «بررسی نقش توحید و خداباوری در اخلاق و سلامت فردی انسان» اثر محمد مهدی کریمی نیا و معصومه مقدّسی (۱۴۰۱) در مجله معارف علوم اسلامی و علوم انسانی (ش ۹) و پایان‌نامه «تأثیر معاد باوری بر انسان از منظر آیات و روایات» از فهیمه علی تبریزی نژاد (۱۳۹۵) در حوزه علمیه خاوران قم درباره توحیدباوری مباحثی را بیان داشته‌اند.

در بررسی مقالات و کتاب‌ها و سایر آثار پژوهشی این نکته آشکار می‌شود که اگرچه موضوع توحیدباوری به عنوان موضوعی عام مورد توجه قرار گرفته، اما پژوهشی به شکل مستقل درباره کارکرد توحیدباوری از دیدگاه علما به‌ویژه آیت‌الله ناصر بررسی نشده است. این نوشتار به شکل مستقل به این موضوع می‌پردازد.

## مفهوم‌شناسی

شناسایی دقیق مفاهیم و اصطلاحات برای هماهنگی و تفاهم در مباحث علمی امری ضروری است. در این پژوهش به منظور ارائه تعریفی دقیق از توحیدباوری مفهوم‌شناسی توحید، باور و توحیدباوری ضروری به نظر می‌رسد:





## ۱. توحید

واژه «توحید» مصدر باب «تفعیل» از ماده «وَحَدَّ» به معنای منفرد بودن است. این ماده با رفتن به باب، معنای نسبت دادن به خود گرفته است: «وَحَدَّتْهُ إِذَا وَصَفْتَهُ بِالْوَحْدَانِيَّةِ» این ماده در قرآن بارها به کار رفته، اما خود کلمه «توحید» در آیات قرآن نیامده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۲۸۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۴۵۱).

توحید در اصطلاح به معنای علم و اقرار به یکتایی خدای تعالی و شریک نداشتن در صفات اوست (هاشمی، ۱۳۸۷: ۹۳) و به عنوان یک اصل اعتقادی به معنای یگانه دانستن و یکتا شمردن خدا است (مصباح، ۱۳۹۴: ۴۸).

## ۲. باور

باور به معنای عقیده و ایمان است (دهخدا، ذیل واژه باور؛ آریان پور، ۱۳۸۵: ج ۲، ۲۰۱).

این واژه از اصطلاحات مربوط به حوزه روان‌شناسی اجتماعی است؛ «باورها یا عقیده‌ها، اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقیقت آنها اعتقاد دارد» (پارسا، ۱۳۸۳: ۳۱۲). کرچ باور را چنین تعریف می‌کند: «باور، سازمانی باثبات از ادراک و شناخت نسبی درباره جنبه خاصی از دنیای یک فرد است و در مفهومی گسترده‌تر باورها دربرگیرنده شناخت یا دانسته‌ها، عقاید یا آیین است» (دادگران، ۱۳۷۱: ۱۲۴).

اندیشمندان در تفاوت عقیده و باور این‌گونه بیان می‌کنند که «باورها جنبه کلی‌تری از عقاید دارند. آنها دنیای فرد را می‌سازند و به او ثبات نظر و عقیده می‌دهند. مجموعه مطالبی که ما درباره یک موضوع خاص می‌دانیم و برای ما معنایی ندارند و نیز همه موضوعاتی که ما فکر می‌کنیم واقعیت دارند، باور ما را تشکیل می‌دهند» (همان: ۱۲۳-۱۲۴).

## ۳. توحیدباوری

توحیدباوری به معنای پیاده‌سازی آموزه توحیدی و به عبارتی یک‌سویی در باور و رفتار که به معنای دیگر همان اخلاص است (رجبی‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۱۶).

توحیدباوری یعنی اقرار به عبودیت پروردگار، دل‌بستن به او و دل‌کندن از هر چه غیر از اوست (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۶۷، ۱۱۲).



توحیدباوری به معنای حرکتی هماهنگ به سوی خدا و گوش دادن به فرمان خدا و در مسیر پرستش محض خدا قرار گرفتن است (مطهری، ۱۳۸۷: ج ۲۶، ۱۰۷-۱۰۶).

### چیستی توحیدباوری و نقش آن در زندگی

در نظام معرفتی اسلام مباحثی چون معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی جایگاه خاصی دارند، زیربنای نگرش‌ها و دانش‌های علمی را تشکیل می‌دهند و تعیین‌کننده خط مشی کلی او در زندگی و آینده انسان هستند. در میان این باورهای بنیادین و اساسی شناخت خدا و مباحث توحیدی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار و تحول‌آفرین و انسان‌ساز است. این باورها به انسان اندیشه و جهان‌بینی می‌دهد و تغییرات ماندگاری در عقیده و رفتار فردی و اجتماعی فرد ایجاد می‌کنند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که توحید چیست و چه نقشی در زندگی انسان دارد؟ در بررسی آموزه‌های دینی، باور به توحید فقط انجام مناسک شریعت نیست، بلکه توحید یعنی همه مقامات وجودی انسان در مقابل خدای متعال ساجد، خاشع و متواضع باشد و رفتار و افکار و حالات قلبی همگی در مقابل خدای متعال ساجد باشند: «سَجَدَ لَكَ سَوَادِي وَ خَيَالِي وَ أَمَنَ بِكَ فُؤَادِي» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۳، ۳۲۴). توحید یعنی از خدا خواستن و از غیر خدا نخواستن، به او تکیه کردن و به غیر او تکیه نکردن، از او ترسیدن و از غیر او نترسیدن، توحید در بیان قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، یعنی همه مقامات وجودی انسان در مقام بندگی باشد، صفاتش صفات بندگی باشد، احوالش احوال بندگی باشد، افکارش افکار بندگی باشد (همان: ۳۲۵).

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله در این باره می‌گوید توحید این نیست که خدا را یگانه بدانیم، بلکه توحید یعنی ای انسان! خدا را یگانه باش. فقط بنده او باش و بس. بنده هوای نفس و این و آن نباش (بیانات آیت‌الله ناصری در مسجد کمر زرین اصفهان، معنای توحید الهی و ولایت معصومین علیهم‌السلام ۱۴۰۱/۴/۲۰).

براساس روایات، عبودیت تام در همه عوالم تنها از آن نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و انسان‌ها برای موحد شدن ناچار به پیروی از پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تبری از ابلیس و اولیای طاغوت و صفات رذیله هستند؛ براساس روایات خدای متعال عقل را پذیرفت که مقامی از مقامات وجود مقدس ختمی مرتب صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و چون عقل تحت فرمان بود، خدای متعال او را تکریم کرد و ۷۵ لشکر برای او آفرید تا با این قوا بندگی کند. لشکر عقل همگی صفات حمیده هستند؛ مانند توکل،





یقین، رضا، صبر، زهد، خشوع و...؛ همه اینها قوای نورانی برای نبی اکرم ﷺ می باشند. پس با تویی به حضرت و تبری از صفات رذیله همه حقایق توحید و صفات حمیده در وجود انسان های موحد جاری و محقق می شود؛ بنابراین به اندازه ای که قوای ما در این صراط قرار گیرد، ما به حضرت متولی، فانی، تابع و موحد می شویم و به توحید می رسیم (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۵۸۹؛ کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۲۷).

توحید در قرآن به شجره طیبه تمثیل شده، زیرا همراه با ریشه، شاخه و برگ است و اصل آن در سماوات و فرع آن در ارض می باشد؛ (ابراهیم، ۲۴) براساس روایات اصل شجره طیبه، معصومین علیهم السلام و فرع آن نیز محیط ولایت ایشان است. به عبارت دیگر وادی توحید همان وادی ولایت اهل بیت علیهم السلام است؛ در مقابل آن نیز به شجره خبیثه اشاره شده که همان شرک و کفر و محیط ولایت اولیای طاغوت و ابلیس و شجره ای بی ریشه است. این دو شجره طیبه و خبیثه همواره در تقابل با یکدیگرند و می کوشند عالم را دربرگیرند و با خود همراه کنند. با توجه به این درگیری که باطن و ظاهر عالم را دربرمی گیرد؛ موحد شدن به نوعی ورود به این میدان درگیری است. همه بشارت های قرآن نوید دادن به توحید و همه اندازهای قرآن بیم از پرستش غیر خداست. خداوند در قرآن می فرماید: ﴿فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ، وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ﴾؛ «پس به سمت خدا فرار کنید و غیر خدا را عبادت نکنید. من شما را انداز می دهم تا سرنوشت دیگران را ببینید» (ذاریات: ۵۰-۵۱). مفسران ﴿فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ﴾ را به ورود به وادی ولایت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و وادی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام معنا کرده، این چنین می نویسند: «همه اندازها برای این است که به وادی ولایت غیر وارد نشویم و همه تبشیرها نیز برای ورود ما به محیط ولایت نبی اکرم صلی الله علیه و آله است؛ به سخن دیگر توحید یعنی «ولایت علی ابن ابیطالب حصنی» (کاشف، ۱۴۲۴ق: ج ۷، ۲۵۶؛ نسفی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۹۸۸؛ بلاغی، ۱۳۷۸: ج ۶، ۲۲۷؛ طباطبایی، بی تا: ج ۱۸، ۵۷۶ و...). آیت الله ناصری در یکی از بیانات خود در این باره می گوید، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: «والله جميع احوالات عالم به اذن امام است. برگی از درخت نمی افتد، مگر به اذن امام». قسم به ذات احدیت هرچه را خداوند خلق کرده، دستور داده است که تحت فرمان ولایت باشند. حتی حیوانات امام خود را می شناسند و از او اطاعت می کنند. هر کس از ولی خود اطاعت کند، این اطاعت در عمل او خود را نشان می دهد» (بیانات آیت الله ناصری در مسجد کمر زرین اصفهان، معنای توحید الهی و ولایت معصومین علیهم السلام، ۱۳۹۹). امام حسین علیه السلام نیز در این باره فرمودند: «وَاللَّهِ مَا خَلَقَ

اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَ قَدْ أَمَرَهُ بِالطَّاعَةِ لَنَا؛ سوگند به خدا که خداوند هیچ موجودی را نیافرید، مگر آنکه او را به اطاعت از ما امر کرد» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۴۴، ۱۸۱).

براساس روایات توحید همان کلمه طیبه «لا اله الا الله» است. اصل آن وجود مقدس نبی اکرم ﷺ می باشد؛ ایشان اصل ثابت شجره توحید در عالم هستند و فرع آن امیرالمؤمنین ﷺ است، شاخه های آن ائمه ﷺ و برگ های آن نیز شیعیان حضرت می باشند. میوه های این شجره نیز علوم اهل بیت ﷺ است (کوفی، ۱۴۱۰: ۲۱۹-۲۲۰). در روایت دیگری این شجره را جامع تر معرفی می فرماید: اصل شجره توحید اهل بیت ﷺ و فرع آن نیز محیط ولایت ایشان است؛ فرعش فی السماء است و هر کس بخوهد به اهل بیت ﷺ برسد، باید سماواتی شود. اگر انسان وارد محیط ولایت آنها شود، سماواتی است؛ آنگاه کسانی که در سماوات ولایت آنها از ارض فاصله می گیرند، سماواتی و آسمانی شده، از تعلقات جدا می شوند: «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا» (ابراهیم: ۲۵). میوه های درخت ولایت و درخت توحید همواره در اختیار آنهاست و قلوبشان سرشار از حقایقی خواهد شد که ثمرات این درخت توحید هستند؛ همواره میوه های درخت توحید و معارف و علوم اهل بیت ﷺ و سماوات به قلب آنها می رسد و اینها میوه های درخت آسمانی اند؛ وقتی انسان میوه ای را می خورد، همه قوای او از آن تغذیه می کند؛ وقتی سماواتیان از میوه درخت بهشتی تناول می کنند، قلوب و قوایشان نورانی می شود؛ این اثر علوم اهل بیت ﷺ است (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۴، ۱۴۲).

ائمه معصومین ﷺ وجه الله هستند و مقامی بالاتر از آن وجود ندارد. در کتاب اصول الکافی آمده است که امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: «لَوْ شَاءَ لَعَرَفَ الْعِبَادَ نَفْسَهُ وَلَكِنْ جَعَلْنَا أَبْوَابَهُ وَ صِرَاطَهُ وَسَبِيلَهُ وَ الْوَجْهَ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ؛ خدای متعال اگر می خواست خود را مستقیم و بی واسطه معرفی می کرد، ولی براساس حکمت، ائمه را باب و صراط و سبیل و وجه خود قرار داد» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ۱۸۴). براساس روایات معرفت ما انسان ها به خدا معرفت به وجه است، زیرا اکتناه به ذات ممکن نیست و ما تنها می توانیم وجه الله را بشناسیم؛ بنابراین موحد شدن از طریق عمل است و باید با همه قوا وارد وادی توحید شد. البته ورود به وادی توحید امتحان می خواهد. در همان آغاز ورود باید همه انانیت ها و استکبار از انسان جدا شود؛ وگرنه نمی توان به وادی توحید وارد شد. ائمه ﷺ «والباب المبتلی به الناس» هستند (ابن بابویه، ۱۴۰۵: ج ۲، ۶۱۳)؛ یعنی همه به موضوع ولایت ایشان امتحان می شوند، اگر از امتحان سربلند بیرون آمدند، وارد وادی توحید می شوند وگرنه وارد وادی توحید نمی شوند. «وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا

حَطَّةٌ نَغْفِرُ لَكُمْ حَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره: ۵۸). باید از این باب سجداً وارد وادی ولایت شد؛ این همان سجده بر آدم عليه السلام است. سجده ملائکه عبادت حضرت آدم عليه السلام نبود، بلکه ملائکه با سجده بر ایشان وارد وادی توحید شدند و مقامی از مقامات توحید برای آنها گشوده شد. وقتی انسان به این شجره طیبه‌ای که اصل توحید است، پیوند خورد و برگ این درخت شود و از این درخت تغذیه کند و با این درخت رشد و نمو کند؛ چیزی جز توحید در انسان پیدا نمی‌شود. اینجا وادی امن و ایمن است؛ برعکس اگر کسی از این درخت فاصله گیرد، دچار شرک و کفر می‌شود. براساس روایات آیه ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ﴾ (نور: ۳۶)، یعنی وارد وادی ولایت و خانه نبی اکرم صلى الله عليه وآله وسلم شوید که خدای متعال در آن خانه‌ها اجازه ذکر و بندگی داده است؛ ذکر خدا در آن خانه‌ها حاضر می‌باشد چون حقیقت ذکر وجود مقدس نبی اکرم صلى الله عليه وآله وسلم است. در تفسیر آیه ﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾ (رعد: ۲۸) فرمود: «مُحَمَّدٍ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ وَهُوَ ذِكْرُ اللَّهِ وَحِجَابُهُ» (عیاشی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۲۱۱). خانه‌ای که شعاع حضرت در آن خانه می‌باشد، بیت النور است. ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ﴾ (نور: ۳۷)؛ در این بیوت همه زندگی مسجد می‌شود، بیت آنها مسجد است، بازارشان مسجد است، هیچ چیزی آنها را از خدا غافل نمی‌کند؛ از اینجاست که سیر انسان در وادی توحید آغاز می‌شود تا به مقامات بالاتر توحید رسد و حجاب‌ها کنار رود و موحد حقیقی شود. پس حقیقت توحید این است که مناسب زندگی انسان مناسب شریعت نبی اکرم صلى الله عليه وآله وسلم باشد و باطن و ظاهر او تابع و متولی به ایشان شود تا بتواند با ایشان سیر کند و به سرچشمه توحید رسد.

### شاخصه‌های توحیدباوری

توحیدباوری به عنوان یکی از مبانی اعتقادی در دین اسلام دارای چهار شاخصه عمده است که در ادامه به تبیین شاخصه‌های باور توحیدی و تأثیر آن در زندگی انسان‌ها می‌پردازیم.

#### الف) از اویی همه موجودات «إِنَّا لِلَّهِ»

نخستین شاخصه توحیدباوری اعتقاد بر این است که جهان واقعیت «از اویی» دارد؛ یعنی همه جهان برای خدا و مخلوق خداست و هیچ فردی در این خصوص با او شریک نیست. اندیشمندان دینی مرز میان توحید نظری و شرک نظری را همین شاخصه «از اویی: إِنَّا لِلَّهِ» می‌دانند. اعتقاد به وجود موجودی که موجودیت و مؤثریتش از خدا نباشد، شرک است؛



خواه اثر مافوق طبیعی مثل خلقت انسان و یا یک اثر کوچک بی‌اهمیت، مثل تکان دادن یک برگ بر روی درخت باشد. قرآن کریم در آیات فراوانی معجزاتی همچون زنده کردن مرده و شفادادن کور مادرزاد را به برخی پیامبران نسبت می‌دهد، اما همراه آن نسبت‌ها کلمه «بأذنه» را می‌افزاید. این کلمه گویای همان ماهیت «از او بی» این کارها است که کسی نپندارد انبیاء از خود استقلالی دارند. حکایت ابراهیم علیه السلام بر این مسئله دلالت دارد، آنگاه که نمرود او را به آتش انداخت و او در آن حال نشان داد که باوری موحدانه دارد و هیچ فعل و انفعال و تأثیر و تأثیری بی‌اذن خداوند رخ نمی‌دهد و کسی جز او مالک هیچ نفع و ضرری نیست و هرچه هست از اوست. این قهرمان توحید در همان حالی که از آن بالا در انبوهی از آتش پرت می‌شد، زمانی که جبرئیل امین ظاهر شد و گفت ابراهیم حاجتی داری یا نه؟ گفت: «اما الیک فلا» به تو حاجتی ندارم، آن کسی که به او حاجت دارم خودش می‌داند، گفتن نمی‌خواهد: «حسبی من سوالی، علمه بحالی» (صدوق، ۱۴۰۳: ج ۱، ۳۳۵). حضرت ابراهیم به عنوان موحدی ناب، حتی به خود اجازه سؤال از ذات اقدس خداوند را نمی‌دهد؛ زیرا او را ولی محض می‌داند که جز به مصلحت بنده خود نمی‌اندیشد. رسول گرامی اسلام نیز آینه تمام‌نمایی است که جهت تابش نور را می‌داند و مانند حضرت ابراهیم می‌فرماید: «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۷۹) و نیز براساس فرمان الهی می‌فرماید: «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ «همانا نماز من و عباداتم و زندگی و مرگم، تنها برای خدا پروردگار جهانیان است» (انعام: ۱۶۲).

قرآن برای رسیدن انسان به این شاخصه در نخستین توصیه به انسان‌ها می‌فرماید: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»؛ «لااله الا الله بگوئید تا به رستگاری دست یابید که اوج سعادت است. این آموزه بر دو نکته اساسی تأکید می‌کند: ۱. طرد خدایان دروغین و نفی معبودها و قدرت‌های کاذب؛ ۲. تلاش برای ایجاد هدف واحد که همان «الله» است. در پرتو این دو امر میان باور (ساحت شناختی) و رفتار انسان (ساحت رفتاری) هماهنگی و وحدت پدید می‌آید و از انسان الگوی برتری می‌سازد که از آغاز تا سرانجام زندگی در پندار، گفتار و کردار فردی بی‌همتا خواهد بود؛ چنان‌که در زندگی بسیاری این رفتار قابل مشاهده است.

آیت‌الله ناصر مکارم علیه السلام در یکی از درس‌های اخلاق خود فرمود: «خدایا قدرتی به من بده که به کمال عبودیت و بندگی رسیده، تاج بندگی بر سرم بگذار، یعنی توفیقی به من بده که به شکلی عبادت کنم تو را که یکی از بنده‌های خاص تو باشم، همان‌طور که برای سلاطین به علامت



قدرت و حکومت تاج می‌گذارند، به من هم در بندگی و در عبادت کردن تو در بالاترین درجه بندگی و عبودیت تاج بندگی بر سر گذارم» (درس اخلاق، ۲۲/۰۱/۱۳۹۵).

ب) به سوی اوئی ﴿إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾

دومین شاخصه توحیدباوری اعتقاد بر این است که این جهان ماهیت به سوی اوئی دارد؛ یعنی همه اشیاء همان طور که از او و مخلوق او هستند، در حال حرکت به سوی خدا نیز می‌باشند. پس جهان در کل خود، نخست یک سیر نزولی را پیموده است و در حال پیمودن یک سیر صعودی به سوی اوست. همه از آن خدایند و به سوی خدا بازگشت می‌کنند: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره: ۱۵۶)؛ ﴿الْأِلَٰهَ إِلَٰهٌ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾ (شوری: ۵۳)؛ «آمدن: از اوئی» و «بازگشتن: به سوی اوئی» نشان‌دهنده آن است که جهان مظهر رحمت است. تقسیم هستی از نظر رحمت این است که عالم هستی دارای دو وجه است: چهره «از اوئی» و چهره «به سوی اوئی». چهره «از اوئی» نشان‌دهنده رحمانیت خدا است و چهره «به سوی اوئی» رحمانیت او را می‌رساند (مطهری، بی‌تا: ج ۲۴، ۳۲۰).

قرآن کریم درباره مقصد تکوین (همان ماهیت به سوی اوئی) با الفاظ ایمان (انعام: ۱۵۴)، یقین (رعد: ۲)، امید (کهف: ۱۱۰ و عنکبوت: ۵) یاد می‌کند. آیت‌الله ناصری در درس اخلاق خود خطاب به طلبه‌ها می‌فرماید: «عزیزان من! وطن اصلی ما اینجا نیست ما اینجا خوش‌نشینیم آقا، باید از اینجا بیرون برویم. نمی‌توانی بگویی من چند سال است در این دنیا زندگی می‌کنم و حق ماندن دارم. اینها به درد نمی‌خورد» (ناصری، ۱۳۹۱: ۱۹۳). ایشان در ادامه در توصیف مرگ می‌فرماید: «به خدا قسم مردن نابودی نیست، بلکه لباس عوض کردن است. لباس کهنه را از بدن او بیرون می‌آورند و لباس نو به او می‌پوشانند». ایشان با اشاره به خطبه همام این‌گونه می‌گویند: «اولیای الهی از مرگ استقبال می‌کنند چون می‌دانند در آن عالم چه خبر است. اگر نبود که هر شخص اجل معینی دارد، روح شیعیان و متقین در جسم آنها باقی نمی‌ماند و به طرف حق پرواز می‌کرد، به دلیل شوق و میل و رغبت زیاد به ملاقات حق و خوف و ناراحتی که مبادا این وعده وصال به فراق تبدیل شود. امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه (خ ۵) می‌فرماید: انس من به مرگ از انس بچه به پستان مادرش بیشتر است» (همان: ۱۹۴).



## ج) برای اویی همه امور ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾

سومین شاخصه توحیدباوری برای او بودن همه امور و کارها است و در تفکر اسلامی حق حاکمیت و سلطه مطلقه، مخصوص ذات اقدس خداست و این حق فقط درباره خالق جهان ثابت و طبیعی است و اما افراد بشر هیچ کدام حق حاکمیت بر دیگران را ندارند. از نظر اسلام همه انسان‌ها از حقوق فردی و اجتماعی یکسان برخوردار و با هم برابرند و هدف اصلی پیامبران نیز این بود که همگان را تحت لوای قانون و حکومت عادلانه گرد آورند که همه به طور یکسان از حقوق خود بهره‌مند شوند و از عبودیت و سلطه زورگویان و قدرت طلبان رهایی یابند و تحت حکومت «لا اله الا الله» درآیند. پیامبران برای رسیدن به این مطلوب با فرعون‌های زمان خود مبارزه سختی را آغاز کردند و بزرگ‌ترین انقلاب‌های آسمانی را علیه طاغوت‌های زمان به وجود آوردند؛ و فقط حکومت «الله» را ثابت کردند و جامعه توحیدی به مفهوم خداپرستی و آزادی تشکیل دادند و بساط حکومت باطل را برچیدند.

در قرآن همان‌گونه که حاکمیت غیرخداوند نفی می‌شود، حاکمیت انحصاری برای خداوند در آیات فراوان اثبات و مراتب مختلفی از حاکمیت تکوینی و تشریحی برای خداوند مطرح می‌شود؛ برای نمونه: ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ (انعام: ۵۷). علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌نویسد: «در این جمله نفی و استثناء که خود مفید حصر است به کار برده شده تا به وسیله نفی جنس دلالت کند بر اینکه از جنس حکم هیچ چیزی برای غیرخداوند تعالی نیست و زمام حکم، تنها و تنها به دست خدای سبحان است» (طباطبایی، بی تا: ج ۷، ۱۱۴).

همچنین در آیه شریفه ﴿ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ﴾ (انعام: ۶۲)، افزون بر اختصاص حکم در این جهان، حکم و داوری در جهان دیگر نیز از آن خداوند است؛ همچنین دسته‌ای دیگر از آیات نیز مبین شایستگی انحصاری خداوند در وضع قانون برای تنظیم حیات فردی و اجتماعی بشر است. مفسران در این زمینه به آیه چهل سوره یوسف اشاره کرده‌اند: ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾ و می‌نویسند: «این آیه از جمله آیاتی است که بر اختصاص حکم تشریحی به خدای تعالی دلالت دارند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۷، ۱۱۸).

نکته‌ای که در این باره وجود دارد آنکه هرچند این آیه و ظاهر آیات پیشین دلالت بر این دارند که حکم تنها برای خدای سبحان است و کسی با او شریک نیست، ولی در پاره‌ای از



موارد حکم «تشریحی» را به غیر خداوند نیز نسبت می‌دهد؛ از آن جمله این چند مورد است: «يُحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ» (مائده: ۹۵)؛ «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (صافات: ۲۶) و درباره رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وَأَن احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ» (مائده: ۴۹)؛ «فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ» (مائده: ۴۸) و «يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ» (مائده: ۴۴). این آیات اگر با آیات دسته اول ضمیمه شوند؛ این نتیجه را می‌دهد که حکم به حق به طور استقلال و اولاً و بالذات تنها از آن خدای سبحان است و غیر او کسی مستقل در آن نیست و اگر هم کسی دارای چنین مقامی باشد، خدای سبحان بر او ارزانی داشته و او در مرتبه دوم است و بدین سبب خدای تعالی خود را «أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ» و «خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» می‌نامد و می‌فرماید: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ» (تین: ۸) و «وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (اعراف: ۸۷). آیتی نیز که حکم را به اذن خدای تعالی به غیر او نسبت می‌دهد، مختص به احکام وضعی و اعتباری است (طباطبایی، ۱۳۹۳ق: ج ۷، ۱۶۳)؛ بنابراین حاکمیت سیاسی در جامعه بشری به عنوان یکی از شئون حاکمیت الهی، اختصاص به خداوند متعال دارد. آیت الله ناصری در بخشی از سخنان خود درباره هدف خلقت این چنین می‌فرماید: «هدف از خلقت این است که مراتب معرفت را بیمایید، هدف از خلقت این است که موحد شوید و به تمام مراتب توحید برسید. برای این من و شما خلق شده‌ایم که بدانیم همه عالم به اذن او می‌گردد، پس باید توحید افعالی داشته باشید، یعنی همه افعال را از خدا بدانی، توحید عبادی داشته باشی، یعنی همه عبادات را فقط برای خدا بدانی، نه اینکه بخوریم و بخوابیم و عیش و نوش داشته باشیم، فرق ما با حیوان در همین است. آسمان‌های هفت‌گانه و زمین برای اوست و همه موجودات حمد و تسبیح او را می‌گویند» (ناصری، ۱۳۹۱: ۹۹).

#### د) تقرب به سوی او «الَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ»

چهارمین شاخصه توحید باوری این است که هدف همه امور فردی و اجتماعی فقط رسیدن به او و تقرب به درگاه باری تعالی است. در جهان بینی توحیدی که جهان ماهیت «از اویی» و «به سوی اویی» دارد، اعمال انسان یک نظام واقعی دارد که از آن خداست. کمال انسان در رفتن به سوی او و نزدیک شدن به اوست. برای اینکه عمل انسان بالا رود، باید قصد انسان بالا رفتن باشد که این قصد همان «قصد قربت» است. «الَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ» (زمر: ۳).

شاخصه «تقرب به سوی او» مبتنی بر درونی‌ترین انگیزه‌ها و تلخیص نیت برای خداست و

زمینه هر نوع انگیزه غیرالهی را در سرزمین وجود انسان می‌خشکاند و سیر تربیتی را معطوف به سوی کمال مطلق لایتناهی می‌کند؛ بنابراین محدود به زمان خاصی از حیات نیست، سراسر زندگی او را دربرمی‌گیرد و به دنبال آن است تا یقین شهود و ادراک حضور دائمی خداوند را در وجود انسان‌ها حاکم گرداند. استقرار این نگرش در فرد او را از اسفل السافلین تا اعلیٰ علین می‌کشاند و خدا را بر سراسر وجودش حاکم می‌کند. انسان در این سیر درونی شایسته مقام خلیفه‌اللهی و مظهر ربوبیت الهی می‌شود. چنین انسانی ربانی می‌شود، یعنی انتساب به خداوند او را تا حد ربوبیت بالا می‌برد. امام سجاده علیه السلام در دعای ۴۴ صحیفه سجاده‌یه پس از حمد و ستایش الهی از خداوند خواسته‌هایی را طلب می‌کنند و در پایان این خواسته‌ها می‌فرماید: «ثُمَّ خَلِّصْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِيْنَ، وَ سُمْعَةِ الْمُتَسْمِعِيْنَ، لِأَنْتَ شَرِكُ فِيهِ أَحَدًا دُونَكَ، وَلَا نَبْتَغِي فِيهِ مُرَادًا سِوَاكَ»؛ امام سجاده علیه السلام در این فراز می‌خواهد به ما توجه دهد که برای بهره‌مندی از فضیلت و برکت ماه رمضان تنها دوری از گناه و انجام عبادات کافی نیست، چه بسا انسان شبانه‌روز به عبادت و ذکر و مناجات و دعا و کارهای خیر می‌پردازد، اما هیچ کدام از اینها پذیرفته نمی‌شوند. دلیل آن هم این است که برای قبولی اعمال تنها حُسن فعلی کافی نیست و عمل انسان باید حُسن فاعلی نیز داشته باشد؛ به تعبیر دیگر افزون بر صحّت عمل باید نیت عمل نیز درست باشد. بدین سبب در این فراز تأکید می‌فرماید به ما توفیق بده که عمل ما همچون عمل ریاکاران و اهل سُمعه نباشد. اهل ریا و سمعه در پی آنند که دیگران اعمال خیر آنان را ببینند و در آینده از آنان یاد شود؛ درحقیقت با عمل خود در پی انتشار آوازه خویش هستند. امام صادق علیه السلام درباره این جمله که شرک نامحسوس‌تر از حرکت مورچه در شب تاریک بر روی گلیمی سیاه است، فرمود: آدمی مشرک نمی‌شود مگر وقتی برای غیر از خدا نماز خواند یا برای غیر خدا ذبح کند و یا برای غیر خداوند دعا کند (صدوق، ۱۴۰۳: ج ۱، ۱۳۶). آیت‌الله ناصر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «سالکان راه خداوند در انجام اعمال خود چهار مرتبه دارند: مشارطه، مراقبه، محاسبه و محاکمه. در مشارطه یعنی فقط کاری را انجام بدهیم که خداوند راضی باشد، مهم‌تر از مشارطه مراقبه است، یعنی اگر عهد کردیم کاری را فقط برای رضای خدا انجام دهیم، از آن مراقبت کنیم که از بین نرود. انجام واجبات و ترک محرمات سهل است، این خلوص می‌باشد که اهمیت زیادی دارد و با توسل به امام زمان علیه السلام می‌توان به آن دست یافت» (مهدی‌گرجی، پایگاه خبری شهید یاران، ۱۴۰۱/۶/۱۱).

## کارکردهای توحیدباوری در زندگی

در جامعه معاصر که غالباً مذهب و اعتقادات دینی در معرض شک و تردید است؛ ایمان و باور به آموزه‌های اعتقادی اسلام تأثیر ویژه‌ای در نظام رفتاری فرد و جامعه دارد. باور توحیدی موجب می‌شود یک نوع دید گسترده و بینش عمیق در انسان به وجود آید و عظمت الهی برای او جلوه و در جان او نفوذ کند و در پی جلوه عظمت الهی، احساس خضوع، تواضع و فقر وجودی در برابر خدای خالق و ایجادکننده او متبلور شود و او را گام به گام تا ملاقات خدا بالا برد و سبب شود که به این باور برسد که موجودات عالم هیچ‌گونه استقلالی از خود ندارند و همه چیز چه در حدوث و چه در بقاء نیازمند و متکی به خدا هستند و مالک حقیقی وجود و قوا و افعال او تنها خداست که هر گونه که بخواهد تصرف می‌کند و انسان در مقابل اراده او کوچک‌ترین اراده‌ای از خود ندارد. چنین باور اعتقادی نقش ویژه‌ای در بعد شناختی، بعد عاطفی و بعد رفتاری انسان دارد. از آنجا که حجم این مقاله گنجایش پرداختن به هر سه بعد را ندارد در این نوشتار به نقش توحید باوری در بعد رفتاری می‌پردازیم. بعد رفتاری شامل رفتارهای فردی (خودسازی) و اجتماعی (جامعه‌سازی) می‌شود؛ توحید باوری در حیطه رفتاری باعث می‌شود افراد انگیزه‌های قوی‌تری در رشد و ترقی داشته باشند که این امر موجب تعالی تمدن در ابعاد مختلف می‌شود. در ادامه این نوشتار به کارکردهای توحیدباوری در بعد رفتاری می‌پردازیم.

### توحیدباوری در حیطه رفتاری

در جامعه معاصر که غالباً مذهب و اعتقادات دینی در معرض شک و تردید است؛ ایمان و باور به آموزه‌های اعتقادی اسلام تأثیر ویژه‌ای در نظام رفتاری فرد و جامعه دارد. باور توحیدی موجب می‌شود یک نوع دید گسترده و بینش عمیق در انسان به وجود آید و عظمت الهی برای او جلوه و در جان او نفوذ کند و در پی جلوه عظمت الهی، احساس خضوع، تواضع و فقر وجودی در برابر خدای خالق و ایجادکننده او متبلور شود. چنین باور اعتقادی نقش ویژه‌ای در رفتارهای فردی (خودسازی) و اجتماعی (جامعه‌سازی) دارد؛ چنین افرادی انگیزه‌های قوی‌تری در رشد و ترقی خواهند داشت که این امر موجب تعالی تمدن در ابعاد مختلف می‌شود. آیت‌الله ناصری در توصیف ویژگی‌های موحدان بارها بر این نکته تأکید دارد و می‌فرماید: «خدا باوران همواره خداوند را در رفتارهای شخصی و اجتماعی خود در نظر می‌گیرند و در دایره بایدها و



نبایدهای الهی با کمال دقت راه رشد و بالندگی را می‌پیمایند. مقصد آنها رضا و رضوان الهی است و خداوند قطب‌نمای تنظیم کارها و رفتار آنهاست. البته خدا باوری به معنای دوری گزیدن از نعمت‌های الهی و رهبانیت و گوشه‌گیری نیست؛ همان‌گونه که اباحه‌گری و بی‌قیدی نیز از جلوه‌های دینداری و خدامحوری نیست و این دو راهی به بیراهه هستند. خدامحوران همیشه حضور پروردگار را در ژرفای وجود خود احساس می‌کنند و دل را که حریم امن الهی است، به بیگانگان نمی‌سپارند، دلی که با یاد خداوند می‌تپد و با ذکر فراوان آرام می‌گیرد: «اذکروا الله کثیراً؛ خدا را بسیار یاد کنید» (ناصری، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۶۰).

در این بخش از نوشتار به تبیین آثار و کارکردهای توحید باوری در دو حیطه رفتار فردی و رفتار اجتماعی موخدا ن پرداخته می‌شود.

### کارکردهای توحید باوری در حیطه رفتاری

توحید باوری، تأثیرات بسیار مثبتی بر رفتار انسان دارد و می‌تواند به بهبود فرد و جامعه کمک کند. با توجه به این موارد، می‌توان گفت که توحید باوری، نه تنها یک باور مذهبی، بلکه یک عامل مهم در شکل‌گیری شخصیت انسان و ایجاد جامعه‌ای بهتر است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین کارکردهای توحید باوری در حیطه رفتاری اشاره می‌شود.

#### ۱. کارکردهای توحید باوری در حیطه رفتار فردی

از مهم‌ترین کارکردهای توحید باوری در حیطه رفتار فردی تربیت‌پذیری توحیدی، دوری از گناه و شادکامی و نشاط قلبی است که در ادامه به تبیین و توضیح آنها می‌پردازیم.

#### الف) تربیت‌پذیری توحیدی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام تربیت کنونی، استقرار نداشتن نگرش جامع توحیدی در تربی است؛ اگرچه به توحید به عنوان غایت نهایی تربیت اسلامی تأکید فراوان و زیادی شده است، اما نظام تربیتی رایج تنها در مراحل ابتدایی تربیت به ارائه مطالبی سطحی درباره توحید می‌پردازد و در سایر مراحل تربیتی به این اصل اساسی و بنیادین، آن‌چنان که شایسته است، توجه نکرده و در این زمینه پاسخگوی جان ژرف‌اندیش و تشنه حقیقت نسل جدید نیست؛ به همین دلیل در عصر ارتباطی و اطلاعاتی امروز بنیان‌های دینداری سنتی سست و در معرض تردید قرار گرفته است و ضرورت تغییر رویه، ارائه و استقرار لایه‌های عمیق‌تری





از معرفت به خدا امری لازم و بلکه واجب است چون در تربیت های غیرتوحیدی اصل وجود انسان مورد نظر قرار گرفته و جایگزین هدف متعالی توحید می شود؛ مثلاً انگیزه فرد از انجام آداب اسلامی مانند احترام به حقوق دیگران غیرالهی و تنها برای جلب رضایت خلق صورت می گیرد و او را به ریاکاری و ظاهرسازی سوق می دهد. ارائه مباحث سطحی درباره معرفت خدا، احساس پوچ گرایی، ترس و اضطراب، نسبی گرایی و شکل گیری فرقه ها و نحله های انحرافی، کشتار و جنایت و خونریزی از آثار باورهای مادی و غیرتوحیدی است که موجب مرگ انسانیت می شود؛ برعکس معرفت حقیقی به خدای بزرگ و تربیت توحیدی معطوف به تحول درونی و سیر باطنی انسان به سوی خداست و سبب می شود همه ارکان تربیتی نظام از مبانی و اهداف تا روش ها و ابزارها رنگ نقطه اوج یعنی توحید را داشته باشد و در یک سیر و توالی منطقی به استقرار نگرش توحیدی در فرد بینجامد و انسان را از هر گونه ریاکاری و نفاق دور گرداند. تربیت توحیدی مبتنی بر درونی ترین انگیزه ها و خلوص نیت برای خداست و زمینه هر نوع انگیزه غیرالهی را در وجود انسان می خشکاند و سیر تربیتی را معطوف به سوی کمال مطلق لایتناهی می کند؛ استقرار این نگرش در فرد او را از اسفل السافلین تا اعلی علین می کشاند و خدا را بر سراسر وجودش حاکم می کند. انسان در این سیر درونی شایسته مقام خلیفه اللهی و مظهر ربوبیت الهی می شود. چنین انسانی ربانی خواهد شد، یعنی انتساب به خداوند او را تا حد ربوبیت بالا می برد. هنگامی که تمام توجه بنده به خداوند باشد، خداوند هم اصلاح و تربیت او را برعهده می گیرد و او را برای عبادت و بندگی خود تربیت می کند. از پیامبر اکرم ﷺ روایت است که خداوند فرمود: «لَا أَطَّلِعُ عَلَى قَلْبِ عَبْدٍ فَأَعْلَمُ مِنْهُ حَبَّ الْإِخْلَاصِ لَطَاعَتِي لَوْجَهِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيَةً وَ سِيَاسَةً؛ هرگاه دل بنده ام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعتم را به جای می آورد، اصلاح و تربیت او را خود برعهده می گیرم» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۸۲، ۱۳۶). این تربیت تا آنجا پیش می رود که خداوند، بنده را خالص برای خود قرار داده، ندا سر دهد: «وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي»؛ «و من تو را برای خودم ساختم و پرورش دادم» (طه: ۴۱). آیت الله ناصری رحمته الله علیه در یکی از سخنرانی های خود در این باره می فرماید: «دنیا مانند کاروانسرای دو درب است؛ از یک درب وارد و سرانجام از درب دیگر باید خارج شویم. از صبح تا شب که مشغول کار هستیم پس چه زمانی برای رفاقت با خدا و تربیت خود و نفسمان بگذاریم. برای تربیت نفس خود فکری کنید. با خدا رفیق شوید، کسی که با خدا دوست باشد و تمام کارهایش برای خدا شود، خداوند هم دنیا و هم آخرتش را تدبیر

می‌کند و هر دو سرای او آباد می‌شود» (بیانات آیت‌الله ناصری در مسجد کمر زرین اصفهان، معنای توحید الهی و ولایت معصومین علیهم‌السلام، ۱۳۹۹).

## ب) دوری از گناه

توحیدباوری انسان را در برابر گناهان همچون سپری فولادین و نفوذناپذیر می‌کند؛ زیرا ایمان به خدا و یاد او در همه حال و اعتقاد به اینکه همه در محضر خدا هستیم، اساسی‌ترین اهرم بازدارنده از گناه و جلوگیری از طغیان غرایز حیوانی است و سبب می‌شود که سلامت از گناه نصیب فرد گردد و انسان را حتی از فکر و تصمیم به انجام گناه بازدارد (مکارم شیرازی، ۱۴۰۰: ج ۲۷، ۱۶۷). توحیدباوران در حقیقت کسانی هستند که حدود الهی را رعایت می‌کنند: «الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ» (توبه: ۱۱۲) و بر این اعتقادند که خدا همواره بر کارهای آنان حاضر و ناظر و از ظاهر و باطن آنان آگاه است که: «أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ»؛ «خداوند از باطن آنها و سخنان پنهان ایشان آگاه است» (توبه: ۷۸). آنها با علم به این حضور از دست زدن به گناه و تجاوز به حدود الهی همواره در هراس بوده، با دقت و وسواس به کارهای خود می‌پردازند که: «وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ»؛ «و هر نفسی بنگرد برای فردا (قیامت) چه عملی پیش می‌فرستد» (حشر: ۱۸). آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه در این باره می‌فرماید: «کسی که مؤمن به خداوند متعال است و به معاد و سؤال و جواب در آن و رب‌الاربابی خداوند در همه هستی معتقد است؛ خودش را در محضر خداوند احساس می‌کند و در نتیجه به طرف گناه نمی‌رود و از انجام گناه، لغزش و معصیت پرهیز می‌کند» (توصیه‌های آیت‌الله ناصری به اساتید اخلاق، ۱۳۹۲/۱۱/۱۲).

افزون بر آن توحیدباوران در عمل، بندگی را از دل و جان می‌پذیرند و تکالیف الهی را به انجام می‌رسانند و پایبندی عجیب و محکمی به تکالیف الهی چون نماز، روزه، حج، خمس، زکات، جهاد، توبه و مانند آن دارند. این افراد نه از روی تکلف و سختی، بلکه از روی عشق به خالق و سپاس‌گویی از او به عنوان هدیه‌ای الهی برای رشد و تعالی و تکامل خود این اعمال را به جای می‌آورند و از انجام دادن آن خشنود می‌شوند: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا» (نساء: ۱۳). در اسلام تأکید می‌شود که انسان باید همت عالی داشته باشد و ارزش هر شخصی به اندازه همت اوست. شاید انسان در مقام نظر، طبعی بلند داشته باشد، اما پای کمیت عمل او فلج باشد و نتواند همسو با اهداف متعالی خود حرکت کند. آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه درباره دوری از گناه





این چنین می فرماید: «هر گناهی آثار و تبعاتی دارد. فقر، فلاکت و بدبختی از آثار گناه است. گناه نکنید، روزی صد مرتبه استغفار کنید تا شیطان از شما دور شود» (بیانات آیت الله ناصری در درس اخلاق طلاب، ۱۳۹۶/۶/۹).

### ج) شادکامی و نشاط قلبی

براساس تفکر توحیدی اسلام، شادکامی حقیقت و واقعیتی است که این حقیقت و واقعیت از سوی خداوند متعال پدید آمده است. اگر فردی بخواهد به شادکامی دست یابد، باید تمام ابعاد وجودی خود (یعنی شناخت ها، احساسات و عواطف و رفتارها) را متناسب با این حقیقت ها و واقعیت ها تنظیم کند؛ به عبارت دیگر تحقق شادکامی بر «واقعیت شناسی توحیدی و هماهنگ سازی خود با آن» متوقف است که این امر همان تفسیر عینی از ایمان و خداباوری می باشد. این ایمان موجب شکر در خوشایند، صبر در ناخوشایند، رغبت به طاعت، کراهت از معصیت، و نشاط در زندگی می شود. افراد با ایمان در تمام ابعاد زندگی، خدا را محور و اساس عملکرد خود قرار می دهند. این امر که از آن با عنوان «ایمان به تقدیر» یاد می شود؛ یکی از مؤلفه های اساسی شادکامی است و موجب می شود که انسان همه امور هستی را بنابر تقدیر خداوند متعال بداند و سپس تقدیر او را نیز بر خیر و مصلحت و سود انسان مبتنی بداند. این باور افزون بر آنکه موجب رضایت از تقدیر خداوند متعال می شود، واکنش مثبت و الهی فرد به تقدیرهای خداوند را به همراه دارد. فرد مؤمن همه داشته های زندگی خود را از خداوند می داند؛ از این رو «شکرگزار» اوست و نیز همه بلاهای زندگی را به مصلحت خود می داند، پس «بردبار» می شود و همین طور اساس تکلیف را منفعت خود می داند؛ در نتیجه «رغبت به طاعت» و «کراهت از معصیت» شکل می گیرد و در مجموع «طاعت» خداوند تحقق می یابد. همچنین موجب می شود که انسان لذت مادی و معنوی خود را تأمین کند و بدین ترتیب به نشاط دست یابد. پس توحیدباوری، باورهای اساسی شادکامی را به وجود می آورد (خشنود و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۳). این باورها در رویارویی با موقعیت های زندگی، باورها و واکنش های توحیدی ناظر به موقعیت را شکل می دهند که رهاوردش تنظیم زندگی براساس آموزه های اوست و در نتیجه شادکامی تحقق می یابد.

بسیاری از آیات قرآن کریم بر این امر تأکید دارد که اولیای الهی، ترس و اندوهی ندارند: ﴿إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَآخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛ «آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی



است و نه آنان اندوهگین می‌شوند» (یونس: ۶۲)، زیرا آنها خداوند را در امور زندگی یاریگر خود می‌دانند و چون در جهت کسب رضای الهی حرکت می‌کنند، از درون حس رضایت و شادمانی دارند. در مقابل انسانی که اعتقادات توحیدی و معادباوری در او شکل نگرفته یا ضعیف است، چون نیازهای فطری معنوی و دینی او برآورده نمی‌شود، می‌کوشد تا خلأهای زندگی خود را با امور دنیوی جبران کند؛ در این حالت در مادی‌گرایی و لذت‌های زودگذر دست و پا می‌زند، خوشی‌های دیگران در او حرص بیشتری ایجاد می‌کند و همواره به موفقیت‌های این و آن حسادت دارد. پس همیشه در حال شکایت و ناله است و هرگز روی آرامش و دل‌سیری را نمی‌بیند. خداوند در مورد این انسان‌ها می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ»؛ «انسان‌هایی که به لقای ما دل‌ن بسته و امیدوار نیستند و به زندگی پست دنیا دلخوش و دلبسته‌اند و آنهایی که از آیات و نشانه‌های ما غافلند» (یونس: ۷).

در روایتی آمده است که عنوان بصری از امام صادق علیه السلام می‌پرسد: «حقیقت عبودیت چیست؟»، حضرت این‌گونه پاسخ می‌دهد: «حقیقت بندگی سه چیز است: اول آنکه بنده در آنچه خداوند به او عطا فرموده است، برای خود مالکیتی در نظر نمی‌گیرد؛ زیرا بندگان، مالک چیزی نبوده و مال را متعلق به خدا می‌دانند و آن را هر جا که خداوند عَزَّوَجَلَّ فرمان داده است، به مصرف می‌رسانند؛ دوم آنکه بنده برای خود تدبیر و چاره‌اندیشی نمی‌کند و سوم آنکه تمام اشتغالش به چیزهایی است که خداوند او را به انجام آنها فرمان داده یا از آنها بازداشته است... این نخستین درجه پرهیزکاران است» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۲۵).

انسان‌های خدا‌باور با تکیه و اعتماد بر خداوند پس از انجام امور، نتیجه کارشان را به او واگذار می‌کنند و اگر آن کار به نتیجه مطلوب نرسد، یقین دارند که حتماً خداوندی که دوست و یاور آنهاست، این مسئله را به صلاح بنده وی نمی‌دانسته است؛ از این رو آرامش دارند. یکی از برجسته‌ترین نقاط سیره عملی حضرت هود روحیه توکل ایشان است: «إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛ «درحقیقت من بر خدا، پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم. هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او مهار هستی‌اش را در دست دارد، به راستی پروردگار من بر راه راست است» (هود: ۵۶).



## ۲. کارکردهای توحیدباوری در حیطه رفتار اجتماعی

هرچند آسیب‌ها و پدیده‌های اجتماعی تابع عوامل فراوانی هستند، اما براساس آموزه‌های دینی و نظریه‌های جامعه‌شناسی مهم‌ترین عوامل این آسیب‌ها مربوط به سبک نادرست زندگی و پشتوانه‌های معرفتی نادرست این سبک از زندگی است. توحیدباوری و جریان یافتن آن در زندگی اجتماعی و شکل‌گیری سبک زندگی براساس آن، بیشتر ناپسامانی‌های اجتماعی را ریشه‌کن خواهد کرد. انسان موحد به مبدأ عالم و قادر اعتقاد دارد و همه رخداد‌های عالم را در چارچوب مقدرات الهی می‌بیند. چنین باوری، تفکر وظیفه‌محوری را در او شکل می‌دهد و تنها به رضایت او می‌اندیشد و انتظار پاداش و قدردانی از او دارد. جامعه با چنین باورهایی از آسیب‌ها در امان خواهد بود و هم با آرامش و امنیت، زندگی الهی خوبی خواهند داشت. در این بخش از مقاله به تعدادی از کارکردهای توحیدباوری در حیطه اجتماعی می‌پردازیم.

### الف) تقویت روحیه اجتماع‌پذیری

براساس آیات قرآن انسان برای زندگی اجتماعی آفریده شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»؛ ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید» (حجرات: ۱۳). در دین اسلام زندگی اجتماعی احکام و ضوابط خاصی دارد و براساس قوانین و حقوقی استوار است. در سیره حضرت رسول ﷺ بر ارتباط سالم با همسایگان، صلح ارحام و رعایت حقوق افراد جامعه تأکید فراوانی شده است؛ ایشان نه تنها در حوزه اعتقادی بلکه در همه مسائل فردی و اجتماعی امت به قدری درباره مسائل اجتماع و افراد آن احساس مسئولیت می‌کردند که خداوند در این آیه به پیامبر ﷺ تذکر می‌دهد: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا»؛ شاید اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه در پیگیری کار آنها تباہ کنی» (کهف: ۶).

اهتمام ویژه اسلام به روابط اجتماعی از چنان جایگاهی برخوردار است که کمتر توصیه و حکمی در این دین دیده می‌شود که جنبه اجتماعی نداشته باشد. نماز که تجلی رابطه فرد با خداست، توصیه به اقامه آن در جماعت شده و برای آن، ثواب و فضیلت زیادی آمده است. در آموزه‌های اسلامی رابطه مؤثر با مردم و دوستی با آنها، اساس عقل و رکن دینداری به شمار می‌رود.



بنابر آموزه‌های دینی، بهترین و زیباترین نوع رابطه با هم‌نوعان، رابطه‌ای است که بر مبنای توحیدباوری و بندگی خدا شکل گیرد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هرکس رابطه خود با خدا را اصلاح کند، خدا رابطه‌اش را با دیگران اصلاح می‌نماید» (نهج البلاغه: خ ۸۹). توحیدباوران عمل به تکالیف الهی را بر خود فرض می‌دانند و از روحیه تعهد، مسئولیت‌پذیری و دلسوزی بالاتری درباره‌ی دیگران برخوردارند.

آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه معتقد بود در دیدگاه توحیدی مقررات، احکام، ارزش‌های اجتماعی و موازین حقوقی و اخلاقی و به‌طور کلی زندگی فردی و اجتماعی در قلمرو حکم اراده‌ی آفریدگار جهان قرار دارد و موحد واقعی نمی‌تواند تنها خدا را در مساجد و معابد پرستش کند، اما در قوانین اجتماعی و حقوقی پیرو مادی‌گرایان باشد. برای انسان موحد «الله» همه‌چیز و مقصد تمامی حرکات و اعمال او است. انسان‌های توحیدی دیگر نمی‌توانند نامهربان باشند و به دیگران ستم کنند، آنها در نیکی کردن بر دیگران پیشی می‌گیرند و راه تقوا و پاکدامنی را برمی‌گزینند. شجاعت، قناعت، توکل و نوع‌دوستی، ایثار و اخلاص مرهون اندیشه توحیدی است (ناصری، ۱۳۹۱: ۳۷۷).

انسان‌های توحیدباور در راهبردهای خود در اجتماع هرگونه تبعیض و جدایی میان افراد اجتماع و انسان را امری نادرست و باطل می‌دانند؛ آنان معتقدند خداوند همه را یکسان و از خلقتی واحد آفریده، و عناصر وحدت وجودی در آنان پدیدار است. پس هرگونه اختلاف از نظر نژادی و یا برتری‌های دیگری از این دست در اندیشه و بینش توحیدی مردود شمرده می‌شود و نگرش افراد مؤمن و اهل توحید به جامعه و افراد انسانی، نگرشی مثبت و سازنده خواهد بود. این‌گونه است که اصل عدالت و دادگری در جوامع توحیدی ریشه می‌دواند و در همه حوزه‌ها خود را نشان می‌دهد (همان).

#### ب) رعایت عدالت

از دیگر کارکردهای اجتماعی توحیدباوری می‌توان به حق‌گرایی و رعایت عدالت درمیان انسان‌ها و جوامع اشاره کرد. بینش و نگرش توحیدی موجب می‌شود که انسان به حق‌گرایش یابد و از گرایش به باطل دور شود. گرایش به حق و دوری از باطل به معنای امور فراوانی است که از آن بین می‌توان به عدالت‌خواهی و عدالت‌پیشگی اشاره نمود؛ انسان توحیدباور در رفتار و کنش اجتماعی خود اصل عدالت را رعایت می‌کند و از بی‌عدالتی و بی‌داد بیزار است؛





قرآن در آیه ۱۴ سوره کهف<sup>۱</sup> به این مسئله اشاره می‌کند که چگونه توحید موجب می‌شود تا راه‌های باطل را نپیماید. راه باطل راهی است که انسان را از انجام اعمال درست و حق باز می‌دارد. دور شدن از حق به معنای قرار گرفتن در افکار و رفتاری است که آدمی را به ظلم و ستم و می‌دارد و از رفتار عقل و عرف و عادلانه دور می‌سازد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۴۵۳). در نگرش قرآنی کسی که از حق و توحید دور می‌شود و راه باطل را در پیش می‌گیرد، انسانی سفیه است؛ یعنی این فرد به جای راه راست و یگانه که وی را به مقصد می‌رساند، هر لحظه راهی را برمی‌گزیند و به شکلی دمدمی مزاج است (ر.ک: جن: ۲-۴). این پراکندگی در انتخاب نه تنها فرد را دچار سرگردانی می‌کند، بلکه جامعه را نیز دچار سرگردانی در برنامه‌ریزی و اجرای اعمال مفید و سازنده‌ای می‌کند که می‌توانست آن را به سعادت برساند. از دیدگاه آیت‌الله ناصر توحیدباوری انسان‌ها سبب ایجاد جامعه سالم، انگیزه جمعی، شتاب در اعمال و کارهای خیر و عدالت می‌شود و جامعه از واگرایی و آشفتگی نجات می‌یابد. جامعه‌ای که بر عنصر یگانگی خدا بنا نهاده شود؛ به این بینش و نگرش دست می‌یابد که تنها خداوند است که هستی را آفریده و انسان را پرورانده است و او را هدایت و مدیریت می‌کند. پس هرگونه تبعیض و جدایی میان افراد اجتماع و انسان امری نادرست و باطل است، زیرا خداوند همه را یکسان و از خلقتی واحد آفریده، عناصر وحدت وجودی در آنان پدیدار است و هرگونه اختلاف از نظر نژادی و یا برتری‌های دیگری از این دست در اندیشه و بینش توحیدی مردود شمرده می‌شود و نگرش افراد مؤمن و اهل توحید به جامعه و افراد انسانی، نگرشی مثبت و سازنده خواهد بود. این‌گونه است که اصل عدالت و دادگری در جوامع توحیدی ریشه می‌دواند و در همه حوزه‌ها خود را نشان می‌دهد (ر.ک: ناصر، ۱۳۹۱: ۲۱۵).

رعایت عدالت در همه حوزه‌ها به ویژه اقتصادی از آثار و کارکردهای اجتماعی توحید و بینش و نگرش توحیدی است که قرآن در آیه ۸۵ سوره اعراف بدان اشاره می‌کند و از زبان حضرت شعیب رضی الله عنه بیان می‌دارد که چگونه توحید و عبادت خدای یگانه می‌تواند در امور اقتصادی و مدیریت آن عدالت را برپا داشته و تقویت کند؛ به گونه‌ای که افراد و اشخاص جامعه توحیدی همواره روابط اقتصادی خود را برپایه معیارها و موازین پذیرفته شده عقلانی و عرفی و

۱. «وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِنَّهَا لَفَقْدَ فُلْنَا إِذَا سَطَطْنَا»؛ «و دل‌های (پاک) ... آنها را سخت استوار و دلبر ساختیم، آنگاه که آنها قیام کرده و گفتند: خدای ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است و ما هرگز جز خدای یکتا هیچ‌کس را به خدایی نمی‌خوانیم که اگر بخوانیم سخت راه خطا و ظلم پیموده‌ایم».



شرعی سامان می‌دهند، از تجاوز و تعدی به حقوق مالی پرهیز می‌کنند و راه قسط و عدالت را می‌پیمایند. در قرآن بارها به توحید برای تقویت و تحکیم روابط سالم اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌ورزد و بر اصول توحیدی برای رسیدن به این هدف اجتماعی پای می‌فشارد؛ به این معنا که یکی از مهم‌ترین سازوکارهای قرآنی برای ایجاد و اجرای عدالت جمعی اجتماعی در همه حوزه‌ها به ویژه اقتصادی آن، تقویت توحید و تأکید بر آن است (هود: ۸۴).

### ج) تأمین امنیت دیگران

امنیت یکی از اصول و مبانی و آرمان‌ها در هر اجتماعی است و سبب زمینه‌سازی استفاده از نعمت‌ها و موهبت‌های الهی در جامعه می‌شود. آیات الهی با تأکید بر اصل کرامت و ارزش والای انسان بر حفظ حریم و امنیت فردی و مخالفت با هرگونه تعدی به او پافشاری می‌کند. این امر در قرآن مورد توجه قرار گرفته است و از مسلمانان می‌خواهد تا در حق یکدیگر خیانت نکنند. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر او خیانت مکنید و در امانتهای خود خیانت نورزید و خود می‌دانید که نباید خیانت کرد» (انفال: ۲۷). از نظر قرآن توحیدباوری نه تنها موجب امنیت در جامعه می‌شود، بلکه در خود انسان نیز چنان قدرتی ایجاد می‌کند که از چیزی ترس و هراس نداشته و احساس امنیت کند. احساس امنیت ابراهیم علیه السلام در مقابل مشرکان در سایه اعتقاد توحیدی ایشان پدیدار شده است و درحقیقت این عامل حقیقی موجب می‌شود تا آن حضرت صلی الله علیه و آله از چنین احساسی برخوردار باشد (انعام: ۸۱).

نخستین نکته‌ای که در روایات بر آن تأکید شده، حرمت و کرامت و ارزشمندی مؤمنان و سپس سایر انسان‌هاست. این احادیث بر مسئله حرمت و حریم فردی و اجتماعی انسان‌ها پافشاری کرده و آن را از هرگونه تعدی و آسیب ایمن دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «حرمت مؤمن از کعبه بیشتر است» (طوسی، ۱۳۹۶: ج ۲، ۲۷).

انسان‌های موحد با رعایت امنیت فردی افراد و عدم تعرض و تعدی به حقوق آنان سبب ایجاد حس امنیت و اعتماد به یکدیگر در جامعه می‌شوند.

براساس سخنان آیت‌الله ناصر علیه السلام موحدان شر و ضرری برای دیگران ندارند و برای دنیا به کسی ضرر نمی‌زنند، زیرا آنان حب دنیا ندارند و می‌دانند دنیا ارزش ندارد. آنان از هرگونه عملی پرهیز می‌کنند که امنیت فردی، اجتماعی، مالی و جانی و آبرویی دیگران را به خطر





می‌اندازد و در واقع تجاوز به دیگران ندارند و حقوق اطرافیان خود را در خانواده و اجتماع رعایت می‌کنند. پس دیگران از دست و زبان آنها درامان می‌باشند. آنان در اجتماع طالب امنیت هستند و از سرکشی و تجاوز به حریم دیگران پرهیز می‌کنند و در صورت تخلف و مرتکب شدن گناه و تعدی به حقوق و مرزهای دیگران پیشیمان می‌شوند و درصدد جبران برمی‌آیند. آیت‌الله ناصر رحمته‌الله علیه دنیا را از دیدگاه موحدان به یک الاغ مرده تشبیه می‌کند که هیچ کس طالب آن نیست. ایشان می‌فرماید زمانی که حضرت آدم و حوا از بهشت خارج شدند و به دنیا آمدند و بوی دنیا به مشام آنها خورد، چهل روز از بوی تعفن آن بیهوش بودند (ناصری، ۱۳۹۱: ۲۵۸).

### نتیجه‌گیری

توحید باوری و جریان یافتن آن در زندگی فردی و اجتماعی و شکل‌گیری سبک زندگی براساس آن، بنیان بیشتر نابسامانی‌ها را می‌خشکاند. انسان موحد عالم را محضر خدا می‌داند و خود را در مسیر حرکت به سمت او قرار می‌دهد. او سبک زندگی خود را بر «بندگی خداوند» بنا می‌نهد. چنین باوری، نگرش وظیفه‌محوری را در او پدید می‌آورد. تنها به رضایت او می‌اندیشد و انتظار پاداش و قدردانی از او دارد. جامعه با چنین باورهایی با ارزشی از آسیب‌های مادی‌گرایی نجات می‌یابد، هدف از خلقت در آن جامعه ظاهر می‌شود و همه انسان‌ها با آرامش و امنیت، توحید عبودی را متجلی کرده، از آثار و کارکردهای فراوان آن بهره‌مند می‌شوند.

این باور در صحنه اجتماع نیز آثار گسترده‌ای دارد. جامعه توحیدی تنها خدا را می‌پرستد و تنها به رضایت او می‌اندیشد؛ در چنین جامعه‌ای رنگ و نژاد و تعصبات جاهلانه درباره شهر و قبیله ارزشی ندارد، بلکه رنگ و بوی توحیدی به موحدان یکپارچگی می‌بخشد و ایشان را در برابر مستکبران و کافران در یک صف همراه می‌کند. آنان از اقتدار اجتماعی بالایی برخوردارند و از هیچ قدرتی هراسی ندارند. اگر جامعه، تنها خداوند را لایق پرستش بداند، بیشتر نابسامانی‌ها که برخاسته از بی‌هویتی، نشناختن مبدأ متعال و خلاصه کردن حیات در زندگی چند روزه دنیاست، ریشه‌کن خواهد شد؛ زیرا جامعه موحد سبک زندگی خود را بر محور وظیفه‌محوری، آخرت‌طلبی و کسب رضایت الهی به سامان رسانده است. یکی از شاگردان آیت‌الله ناصر رحمته‌الله علیه در توصیف ویژگی‌های اخلاقی ایشان چنین بیان کردند: «این عالم وارسته و شیفته اهل بیت علیهم‌السلام بسیار به آداب اجتماعی مقید بود، به رعایت حقوق دیگران بسیار مقید و مراقب بود کسی در حضورشان غیبت نکنند و در حضورشان به کسی ظلم نشود» (ملکیان، گفتگو با خبر حوزه، ۱۴۰۱/۶/۵).



## منابع

- \* قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، قم، دارالقرآن کریم.
- \*\* نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، سبط النبی.
- \*\*\* صحیفه سجادیه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۵، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء.
  ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۰۵، لسان العرب، چ ۳، قم، مؤسسه الادب الحوزه.
  ۳. آریان پور، منوچهر، ۱۳۸۵، فرهنگ انگلیسی به فارسی، تهران، جهان رایانه.
  ۴. بلاغی، محمد جواد، ۱۳۷۸، الاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
  ۵. پارسا، محمد، ۱۳۸۳، زمینه روان شناسی نوین، تهران، بعثت.
  ۶. خندان، علی اصغر، ۱۳۹۶، «نظریه علم دینی با رویکرد توحیدی از منظر استاد مطهری»، فصلنامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ش ۷، ص ۴۰-۵۰.
  ۷. خوشنود، حسین؛ رضا کهساری و سیداحمد میریان آکندی، ۱۳۹۸، «کارکرد باورهای اعتقادی بر رفتار فردی»، قرآن و علوم پزشکی، ش ۵، ص ۶۸-۷۹.
  ۸. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران.
  ۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۳، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالشامیه.
  ۱۰. رجبی نیا، داود، ۱۳۹۱، اسلام و زیبایی های زندگی رویکردی تحلیلی و تربیتی به سبک زندگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
  ۱۱. روشبلاو، آن ماری؛ ادیل بورفیون و سیدمحمد دادگران، ۱۳۷۱، روان شناسی اجتماعی، تهران، مروارید.
  ۱۲. صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۲، النخصال، قم، کتابخانه الاسلامیه.
  ۱۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵، علل الشرایع، قم، کتابخانه الاسلامیه.
  ۱۴. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۳، الامالی، قم، کتابخانه الاسلامیه.
  ۱۵. طباطبایی، سیدمحمد حسین، ۱۳۸۵، آداب زندگی پیامبر ﷺ، ترجمه لطیف راشدی، قم، همگرا.





۱۶. \_\_\_\_\_ ، بی تا، المیزان فی تفسیر القرآن کریم، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، بی جا، گلشن.
۱۷. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۹۰، تفسیر عیاشی، تهران، ذوی القربی.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴، العین، بی جا، مؤسسه نشر اسلامی.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰، تفسیر فرات الکوفی، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۲. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۹۰، معارف قرآن، قم، مؤسسه در راه حق.
۲۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، مجموعه آثار، تهران، صدرا.
۲۴. \_\_\_\_\_ ، بی تا، مجموعه آثار (عدل الهی)، تهران، صدرا.
۲۵. مظاهری سیف، حمیدرضا، ۱۳۸۱، خودشناسی عرفانی (سیری در المیزان)، قم، نشاط.
۲۶. مغنیه، محمد جواد، ۱۴۲۴، تفسیر الکاشف، تهران، دارالکتب الاسلامی.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۷، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. ناصری، محمد، ۱۳۹۱، رسم بندگی، قم، مؤسسه فرهنگی دارالهدی.
۲۹. نسفی، عمر بن محمد، ۱۳۹۰، تفسیر نسفی، تهران، سروش.
۳۰. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، ۱۳۸۷، برگزیده فرهنگ قرآن، قم، بوستان کتاب.

